

ORIGINAL ARTICLE

Explanation of the Effective Propulsions on the Regeneration of Informal Settlements with the Approach of Improvement and Empowerment (Case Study: Shamsabad Neighborhood, Tabriz)

Amir Jahed¹, Bashir Beygbabaye², Karim Hosseinzadeh Dalir³

1. Ph.D. student in geography and urban planning, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Malekan Branch, Islamic Azad University, Malekan, Iran.

3. Professor, Department of Geography and Urban Planning, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran.

Correspondence
Bashir Beygbabaye
Email:
bashir_beygbabaye@yahoo.com

How to cite

Jahed, A.; Beygbabaye, B.; Hosseinzadeh Dalir, K. (2023). Explanation of the Effective Propulsions on the Regeneration of Informal Settlements with the Approach of Improvement and Empowerment (Case Study: Shamsabad Neighborhood, Tabriz), *Physical Social Planning*, 8 (30), 105-120.

ABSTRACT

The formation and continuation of marginalization in the form of informal settlements can be considered the biggest challenge in organizing and managing the physical space of today's cities. These types of settlements with their different dimensions are a physical-spatial representation of the non-social sociability of individuals and groups. The physical representation of these urban phenomena in various labels has always been born in an informal process and has always been seen as a challenge of an anti-urban phenomenon. The present article, with descriptive-analytical method, seeks to investigate the role of factors and propulsions influencing the organization of informal settlements in Shamsabad neighborhood of Tabriz city. Data was collected through documentary, questionnaires and field studies. The statistical sample includes 30 experts and the questionnaires were distributed among them using the Delphi method. Data analysis was also done with Delphi method, one-sample T test and path analysis in DPSIR format with the help of SPSS software. The findings showed that according to the DPSIR model, the "pressure" component received the highest score with a coefficient of 6.254. Also, based on the path analysis test, the "pressure" index with a total effect coefficient of 0.623 has the greatest impact and causal relationship with the organization of informal settlements. . On the other hand, the "impact" components with a total effect coefficient of 0.591; "Response" with a total effect coefficient of 0.556; "Status" with a total effect coefficient of 0.547; and "driving force" with a total effect coefficient of 0.537. Therefore, in order to empower and improve the Shamsabad neighborhood of Tabriz, strengthen the transportation system; suitable placement of incompatible land uses; strength of dilapidated buildings; and solving the ownership document problem are essential.

KEYWORDS

Informal settlement, Empowerment, Improvement, Regeneration, Shamsabad, Tabriz.

نشریه علمی

برنامه‌ریزی توسعه کالبدی

«مقاله پژوهشی»

تبیین پیشران‌های مؤثر بر بازآفرینی سکونتگاه‌های غیررسمی با رویکرد بهسازی و توانمندسازی (مورد مطالعه: محله شمس‌آباد شهر تبریز)

امیر جاهد^۱، بشیر بیگ‌بابایی^۲، کریم حسین‌زاده‌دلیر^۳

چکیده

شکل‌گیری و تداوم حاشیه‌نشینی در قالب سکونتگاه‌های غیررسمی را می‌توان بزرگترین چالش در ساماندهی و مدیریت کالبدی-فضایی شهرهای امروزی به‌شمار آورد. این نوع سکونتگاه‌ها با ابعاد مختلف خود، نمایشی کالبدی-فضایی از اجتماع پذیری غیراجتماعی افراد و گروه‌هاست. بازنمود کالبدی این پدیده‌های شهری در برچسب‌های متنوع همواره در فرایندی غیررسمی زاده شده و همواره به مثابه یک چالش پدیده‌ای ضد شهری نگریسته شده است. در این رابطه، مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به-دنبال بررسی نقش عوامل و پیشران‌های تأثیرگذار بر ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی محله شمس‌آباد شهر تبریز است. گردآوری داده‌ها با مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی با کمک پرسشنامه انجام شد. جامعه آماری شامل گروه متخصصین به تعداد ۳۰ نمونه آماری است که با روش دلفی پرسشنامه بین آن‌ها توزیع گردید. تحلیل داده‌ها نیز با روش دلفی، آزمون تک نمونه‌ای T و تحلیل مسیر در قالب DPSIR با کمک نرم افزار SPSS انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که طبق مدل DPSIR مؤلفه «فشار» با ضریب ۶/۲۵۴ بیشترین امتیاز را دریافت کرده است. همچنین، براساس آزمون تحلیل مسیر شاخص «فشار» با ضریب اثر کل ۰/۶۲۳ بیشترین تأثیر و رابطه علی را با ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی دارد. از طرفی، مؤلفه‌های «تأثیر» با ضریب اثر کل ۰/۵۹۱؛ «پاسخ» با ضریب اثر کل ۰/۵۵۶؛ «وضعیت» با ضریب اثر کل ۰/۵۴۷؛ و «تیروی محرکه» با ضریب اثر کل ۰/۵۳۷ قرار دارند. لذا به‌منظور توانمندسازی و بهسازی محله شمس‌آباد شهر تبریز تقویت سیستم حمل‌ونقل؛ جانمایی مناسب کاربری‌های ناسازگار؛ استحکام ابنیه‌های فرسوده؛ حل مشکل سند مالکیت ضروری است.

واژه‌های کلیدی: سکونتگاه غیررسمی، توانمندسازی، بهسازی، بازآفرینی، شمس‌آباد تبریز.

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.
۲. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد ملکان، دانشگاه آزاد اسلامی، ملکان، ایران.
۳. استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.

نویسنده مسئول:

بشیر بیگ‌بابایی

رایانامه: bashir_beygbabaye@yahoo.com

استناد به این مقاله:

جاهد، امیر؛ بیگ‌بابایی، بشیر؛ حسین‌زاده دلیر، کریم (۱۴۰۲). تبیین پیشران‌های مؤثر بر بازآفرینی سکونتگاه‌های غیررسمی با رویکرد بهسازی و توانمندسازی (مورد مطالعه: محله شمس‌آباد شهر تبریز)، فصلنامه علمی برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، ۸ (۳۰)، ۱۰۵-۱۲۰.

مقدمه

سکونتگاه‌های غیررسمی یکی از پیامدهای استحاله جمعیتی و اقتصادی است، که در اندرکنشی متقابل با روند صنعتی شدن به منصفه ظهور رسیدند. مناطقی که هرچند همواره به عنوان معضلی شهری به حساب می‌آمدند، اما در عین حال از مقبولیتی رسمی نیز برخوردار بوده‌اند؛ چرا که وجود آن‌ها ضامن تأمین مسکن برای خیل عظیم جمعیت و نیروی کار صنایع محسوب می‌شد، و این صنایع خود ضامن بقای سرمایه‌داری بودند. در این رابطه، براساس مفهومی تبیین شده از سوی سازمان ملل، سکونتگاه غیررسمی شامل مسکنی است که مالکان آن‌ها ادعایی بر ملکی که روی آن ساکن شده‌اند، ندارند. این مناطق به صورت کاملاً دفعی و بدون برنامه‌ریزی ساخته شده، و ساکنان در آن‌ها اجاره بهایی به مالک زمین پرداخت نمی‌کنند (برنامه اسکان سازمان ملل^۱، ۲۰۱۵: ۲۲). امروزه فقر و در پی آن رشد و گسترش محلات فرودست به یکی از مؤلفه‌های همزاد توسعه شهر بدل شده و به عنوان نمایه مشترک در بیشتر شهرها به ویژه شهرهای بزرگ کشورهای درحال توسعه قابل مشاهده است. اسکان غیررسمی از جلوه‌های بارز فقر شهری است که در شکل برنامه‌ریزی نشده و ناموزون درون یا اطراف شهرها ظاهر شده و از نظر حق مالکیت، شرایط زندگی، تراکم، ترکیب خانواده، سطح امنیت و پیشرفت و میزان تغییر از شرایط متنوعی برخوردار است (عباسی لیوسی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۰). برآورد می‌شود جمعیت شهری تا سال ۲۰۳۰ به ۶۰ درصد کل جمعیت افزایش یابد و در این چارچوب تعداد ۱/۲ میلیارد نفر در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زیست خواهند کرد (زربو و همکاران^۲، ۲۰۲۰: ۲۳)؛ پدیده‌ای که در کشورهای در حال توسعه، حدود ۴۱ درصد جمعیت شهرنشین و در کشورهای پیشرفته ۶ درصد جمعیت شهرنشین را شامل می‌شود (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۶). در این میان شهرسازی غیررسمی^۳ شاید پرسشی کلیدی در دانش شهری باشد که جای جای آن در جامعه دانشگاهی امروز خالی است (کمالپور و دووی^۴، ۲۰۱۹: ۲). زیرا این روند شهرنشینی باعث افزایش جمعیت شهرهایی می‌شود که از قبل دارای منابع محدود بوده (احمد و همکاران^۵، ۲۰۲۰: ۱۰۶) و موجودیت شهر را به معنای مکانی برای رشد و توسعه با چالش‌ها و مسائل بغرنجی

روبه‌رو می‌سازد (زالی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۳). در این ارتباط چالش‌ها و مسائلی از قبیل گسترش فقر شهری در تمامی ابعاد همچون فقر درآمدی، بهداشتی (عسکری زاده و همکاران^۶، ۲۰۱۷: ۶۳)، آموزشی، اجتماعی و سایر ابعاد خدماتی شامل آب-رسانی، توزیع برق و سایر خدمات زیربنایی و روبنایی (میرآخوری، ۱۳۹۵: ۵۸) قابل توجه است. نتیجه چنین رویکردی، بافت‌های ناکارآمد شهری است. در حالی ابعاد این مسئله گسترش روزافزون یافته است که یکی از ویژگی‌های این پدیده‌های مردمی؛ کارا نبودن گفتمان گروه‌های دخیل در سامان بخشی به این پدیده است، که خود بر دامنه آن افزوده است. دربارنمود چرایی ناکارآمدی این گفتمان‌ها، تأکید بر نگاه تقلیل‌گرایانه به زیست‌غیررسمی شهری از سوی منتقدان پیش کشیده شده است (آشوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱۲). به‌طور کلی، زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان نوعی سبک خاص زندگی و یک اصطلاح شهرنشینی و یک منطق است که از طریق آن فضاهای مختلف تولید و مدیریت می‌شوند. فعالیت در سکونتگاه‌های غیررسمی شهری تنها شامل فعالیت‌های فقرا، یا وضعیت خاص کار و یا به حاشیه رانده‌شدگان نیست، بلکه منطق سازماندهی است که ذیل پارادایم آزادسازی اقتصادی شکل گرفته است. آزادسازی اقتصادی ابزاری برای درک تغییر شرایط شهری در اختیار قرار می‌دهد و نمی‌توان خارج از زمینه جهانی شدن و آزادسازی اقتصادی به درک مناسبی از زیست غیررسمی شهری دست یافت (الصیاد، ۱۳۹۵: به نقل از آشوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱۲). اصولاً موضوع اسکان غیررسمی و متعاقب آن شکل‌گیری بافت‌های ناکارآمد شهری، یک پدیده چند بعدی و سیستماتیک است که ناشی از سازوکار و روابط متقابل عوامل پنهان و آشکار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مدیریتی است (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴). در این گونه مناطق، علاوه بر نارسایی‌های اجتماعی-فرهنگی مانند بی‌سوادی، عدم آگاهی از حقوق شهروندی و بوروکراسی اداری برای پیگیری مطالبات، به علت «نبود سند مالکیت در این سکونتگاه‌ها، بازار خرید و فروش غیر قانونی زمین و مسکن» (آریما^۷، ۲۰۱۸: ۱۰۹). مشکلات اقتصادی نیز افزون‌تر می‌شود. نتیجه چنین روندی، ضعف برنامه‌ریزی و خط‌مشی‌گذاری بازآفرینی اسکان غیررسمی در قالب برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری است. در زمینه اسکان غیررسمی، و رفع سیستماتیک و برنامه‌ریزی شده مشکلات

1. UN Habitat
2. Zerbo et al
3. Informal urbanism
4. Kamalipour & Dovey
5. Ahmed et al

6. Askarizad et al

7. Arimah

موجود در این قبیل سکونتگاه‌ها، برنامه‌ها و راهبردهای مختلفی از سوی مراکز و موسسات مطالعاتی و اجرایی ارائه می‌شود (زرین کاویانی، ۱۳۹۷: ۵).

بررسی‌های نظری و تجربی حاکی از آن است که سکونتگاه‌های فقیرنشین و غیررسمی شهر، ابزاری^۱ برای مطرح نمودن برچسب‌های بسیار متنوعی بوده که هریک نشان دهنده جنبه‌ای از ویژگی‌های این سکونتگاه‌ها است که از جمله می‌توان به سکونتگاه‌های خودانگیخته، غیررسمی، مهارگسیخته، موقت، نامنظم، غیرقانونی، خودیار، حاشیه‌ای، پیرامونی، آلونک و سکونتگاه‌های کم‌درآمد اشاره کرد (بهزادفر و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۷). در این رابطه، مریفیلد زیست‌نشینان غیررسمی شهر را شهروندان شبح‌وار می‌نامد: باقیمانده‌ها و کاهش ناپذیرهایی که زندگی‌شان را در حاشیه سپری می‌کنند و حاشیه را درون خود احساس می‌کنند، با حاشیه شناخته می‌شوند، با اینکه این حاشیه گاهی در مرکز قرار دارد، ولی آن‌ها برای دیگر شهروندان و مدیران شهری، زیادی هستند. باقیمانده‌ها (ساکنین سکونتگاه غیررسمی)، کسانی هستند که خانه‌هایشان ضبط شده است، همه آن‌هایی که نتوانسته‌اند وام‌هایشان را بازپرداخت کنند، آن‌هایی که زیر بار بدهی هستند، آن‌هایی که حقوق بازنشستگی‌شان قطع شده، آن‌هایی که آینده‌یشان نابود شده است (ترکمه، ۱۳۹۷: ۷). راکوفسکی سکونتگاه غیررسمی را ناشی از ماهیت توسعه سرمایه‌داری دانسته و یفتاچال^۲ و یاکوبی^۳ معتقدند که دولت و سیاست‌هایش پارادوکس پیدایش چنین سکونتگاه‌هایی در حاشیه شهری را افزایش می‌دهد (آشوری، ۱۳۹۷: ۲۱۹). جانیس پرلن ابراز می‌کند که ساکنان فاولاها از نظر سیاسی و اقتصادی حاشیه نیستند، اما سرکوب و محروم شده‌اند؛ از نظر اجتماعی و فرهنگی حاشیه‌ای نیستند، بلکه از یک نظام طبقاتی داغ ننگ کشیده‌اند و برکنار مانده‌اند (همان، ۲۱۸). به باور لوفور، نیروهای مولد، به آن‌هایی که این نیروها را ساماندهی می‌کنند این امکان را می‌دهد فضا را کنترل و حتی آن را تولید کنند. از این رو فضای کلی سرمایه‌داری، فضای اقتصادی و همگن و ارزش مبادله‌ای را

بازنمایی می‌کند. این ظرفیت مولد به کل فضای کره زمین و فراتر از آن گسترانده می‌شود (لوفور^۴، ۲۰۱۶ به نقل از محمدی و اداک، ۱۳۹۸: ۱۶۳). یوسف جباری نیز استدلال می‌کند که سکونتگاه غیررسمی شهری یکی از حالت‌های غیررسمی تولید فضا است که همچون فضای اجتماعی شامل سه‌گانه فضای دریافتی، فضای پنداشته و فضای زیسته است:

اسکان غیررسمی شهری همچون یک فضای

دریافته و محسوس: یک فضای کالبدی محسوس که دارای یک منطق فضایی سازمانی (خاص خود) است که قابل مشاهده و خوانا است و سازمان فضای پرکتیس^۵های اجتماعی را منعکس می‌کند و بازتابی از طراحی و شکل‌دهی ساختمان‌ها، محلات و فضاها شهری است. چنین پرکتیس (عمل‌های) فضایی، زندگی روزمره و واقعیت شهری گسترده تر را شکل می‌دهند. زیست غیررسمی نه توسط نهادهای رسمی دولتی، بلکه توسط مردم و اجتماعاتی که معمولاً طرد شده‌اند، همچون مهاجران و فقرا خلق می‌شود.

اسکان غیررسمی شهری به مثابه فضای

پنداشته: زیست غیررسمی شهری توسط مردم برنامه‌ریزی، طراحی و تولید شده است؛ نه برنامه‌ریزان، طراحان یا کارشناسان دولتی و حکومت ملی. برنامه فضاهای رسمی به لحاظ قانونی مورد تأیید دولت است و به‌وسیله مهندسان و کارشناسان فضایی تصور و طراحی شده و فضاهای غیررسمی حاصل از ایدئولوژی و دانش طراحی توسط ساکنان خود است.

اسکان غیررسمی به عنوان فضای زیسته:

فضای غیررسمی ساخته، طراحی و تجربه شده از طریق عرف فرهنگی مردم است و به صورت اجتماعی و فرهنگی ساخته شده و لزوماً یک تولید فضای پراکنده و غیرمنطقی نیست. رسوم فرهنگی یکی از تأثیرگذارترین عوامل در تولید و تجربه زیست غیررسمی شهری است. بر این اساس زیست غیررسمی یک سازماندهی شده اجتماعی و فرهنگی است و مردم آن را با توجه به عرف نانوشته آن را مدیریت می‌کنند (آشوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱۹).

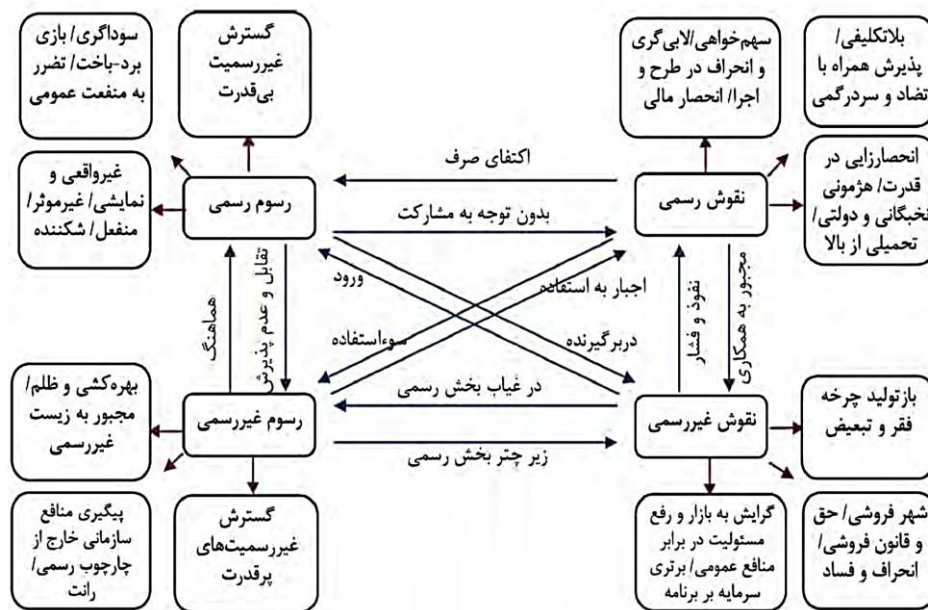
4. Lefebvre

۵. فضای پرکتیس؛ به جریان‌های مادی و فیزیکی (افراد، گروه‌ها، کالاها)، گردش‌ها، انتقال‌ها و برهم‌کنش‌هایی اشاره دارد که در سرتاسر فضا رخ می‌دهند. فضای پرکتیس، فضای جامعه را آهسته و پیوسته تولید می‌کند. و به عنوان فضای درک‌شده در فضای فیزیکی رخ می‌دهد.

۱. باید در نظر داشت ابزارها تنها، گذرگاه هستند، اینکه چه چیزی از می‌گذرد؛ بسی مهم تر از خود گذرگاه است.

2. Yiftachel

3. Yakobi



شکل ۱. چگونگی مواجهه با نیرها و کنشگران شهری در بررسی سکونتگاه‌های غیررسمی شهری (راثو، ۲۰۱۹: ۴۲)

مشکلات و موانع توسعه اسکان غیررسمی است. نظریه‌های لیبرالیسم اسکان غیررسمی را پدیده‌ای گذرا و میرنده تلقی می‌کند، و خواهان رهاسازی آن به سازو کارهای بازار است. چراکه گذر زمان این مشکل را حل خواهد کرد (صراف، ۱۳۹۹: ۲۷۰). از نظر رادیکالیست‌ها، پدیده اسکان غیررسمی ناشی از ساختار اقتصادی نابسامان کشورهای درحال توسعه است (احمدیان، ۱۳۹۲: ۲۸۵). و با تغییر ساختار اقتصادی، این مسئله نیز به‌مرور حل خواهد شد. در دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا، اسکان غیررسمی محصول مستقیم روابط سرمایه‌داری و شبه سرمایه‌داری است که به دلیل عدم حمایت نهادهای رسمی و قانونی از اقشار «بهره‌ده» آن‌ها از قافله توسعه عقب مانده یا رانده شده‌اند (محمدی، ۱۳۹۸: ۹۵). در نتیجه، با تغییر در مدیریت فضا، می‌توان به ساماندهی این قبیل سکونتگاه‌ها پرداخت. در مقابل رهیافت اصلاح‌طلبی بر تغییر تدریجی شرایط زیستی اسکان غیررسمی با هدف برقراری عدالت اجتماعی، و تعادل منطقه‌ای تأکید دارد. در این رهیافت، فقط نمی‌توان به راه کارهای ساختاری تکیه کرد و باید عوامل اجتماعی، فقر و رنج ساکنین نیز در نظر گرفته شود (صراف، ۱۳۹۹: ۲۷۱).

با مشاهده تجربیات گذشته در زمینه الگوهای مداخله در بافت‌های ناکارآمد باید اذعان نمود که هر تغییر در الگوی مداخله از روح زمانه خویش پیروی می‌کند. بنابراین توجه به این نکته ضروری است که پدید آمدن رویکرد بازآفرینی جوابی به شرایط موجود در کشورهای درحال توسعه نظیر ایران است (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۹). در این رابطه، دغدغه اصلی و بنیادی بازآفرینی، جلوگیری از سرایت اثرات زوال و فرسودگی بخشی از شهر به تمامی نواحی دیگر شهر است. لذا، اهمیت بازآفرینی متوجه طیف گسترده‌ای از عاملان و تصمیم‌گیران شامل اجتماعات محلی، مقامات محلی، شهری و ملی، سرمایه‌داران و سرمایه‌گذاران، ارگان‌ها و سازمان‌های زیست محیطی و ساکنین است (تالون، ۲۰۱۰: ۲۰۷). زیرا در فرآیند بازآفرینی، فضای شهری جدیدی حادث می‌شود که ضمن شباهت‌های اساسی با فضای شهری قبلی، تفاوت‌های ماهوی و معنایی را با فضای سابق به نمایش می‌گذارد (حبیبی، مقصودی، ۱۳۹۸: ۵).

علاوه براین، شیوه برخورد مکتب‌های فکری در برنامه‌ریزی برای حل مشکل اسکان غیررسمی نیز گویای عمق

جدول ۱. جمع‌بست گفتمان‌های مؤثر در شکل‌گیری و تکوین سکونتگاه‌های غیررسمی شهر

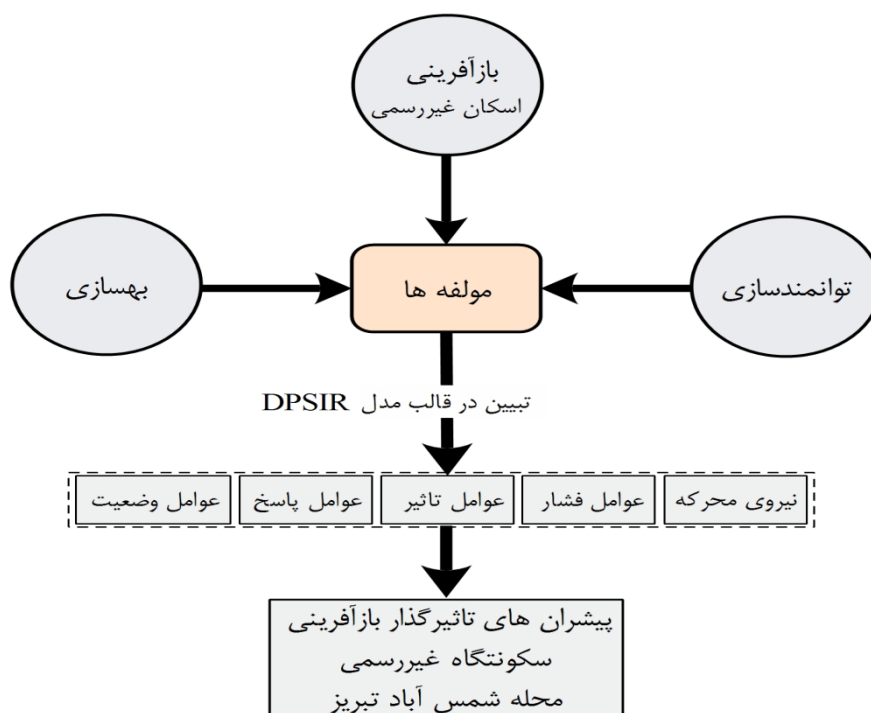
هستی‌شناسی	مکاتب تکوین	چپستی نگاه	راهکار و رویکرد ارائه داده شده
انگاره‌های درونی و فردمحور	اسکان غیررسمی	رشد و تراکم شدید جمعیت - فقر و عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه - اعتقاد به بی‌نتیجگی برنامه‌ریزی برای بهبود سطح زندگی و مبارزه با فقر - رها سازی بافت‌های خودانگیخته به دستان نامرئی بازار	نابرابری - سپردن بافت‌های خودانگیخته به جریان خودتنظیمی بازار
	نئولیبرالیسم	در استطاعت بودن - بازگشت هزینه‌های انجام شده برای بافت‌های خودانگیخته - تکرارپذیری فعالیت‌ها - اتکا به بخش خصوصی و سازندگان بزرگ	توسعه‌ی مبتنی بر املاک و مستغلات - توسعه مبتنی بر منطق هزینه-فایده - توسعه با اتکا بر بخش خصوصی
	پراکسیس شهری و بافت‌های خودانگیخته	بافت‌های خودانگیخته جنبشی‌ست ریشه‌ای بر علیه بروکراسی دولتی	تحسین و پذیرش این بافت‌ها به عنوان نکته‌ای مثبت در روند توسعه‌ی شهری و مبارزه‌ای علیه هژمونی و بروکراسی شهری
	بوم‌شناسی اکولوژی مکتب شیکاگو	شکل و نظام فضایی خاصی که شهر به خود می گیرد، نتیجه‌ی رقابت گروه‌های مختلف شهری در جهت احراز موقعیت شهر - بازندگان این رقابت به ظهور پدیده‌هایی نظیر بافت‌های خودانگیخته	جلوگیری از حومه‌نشینی با اعمال ضوابط تحدیدی برای محدوده‌های شهری
انگاره‌های بیرونی و جامعه‌محور	اقتصاد سیاسی فضایی	بافت‌های خودانگیخته، فرآیند انتقال فقر و محرومیت روستا به شهرها - شکل‌گیری محدوده‌های خودانگیخته در کشورهای جهان سوم «معلول مناسبات و قدرت‌های مسلط جهانی از سویی و ویژگی‌های ملی از دیگر سو»	الگوی رشد اقتصادی درون‌زا - تحلیل و شناخت مناسبات امپریالیستی موجود در کشورهای کمتر توسعه یافته
	رادیکالیسم	عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه معلول تسلط اقتصادی کشورهای توسعه یافته - پیدایش بافت‌های خودانگیخته در گروه‌های توسعه وابسته و برون‌زا و جریان صنعتی شدن وابسته به شهرنشینی شتابان و ناهمگون.	تحلیل مناسبات کلان و توجه به ریشه‌های مشکلات این قبیل بافت‌ها برای حل معضلات آن‌ها
	نابرابری‌های جغرافیایی	بوجود آمدن بافت‌های خودانگیخته در گرو وجود نابرابری‌های گسترده بین مناطق شهری و روستایی و بین مناطق مختلف جغرافیایی یک کشور از لحاظ شرایط اقتصادی و فرهنگی	برقراری عدالت توزیعی در ارائه خدمات بین شهر و روستا
	رویکرد اجتماعی فضایی حق به شهر	دیوان سالاری و کالایی کردن فضا/ گسترش اصول اخلاقی نئولیبرالی، فضا به عنوان ابزار سلطه سیاسی و ایدئولوژیک/ تکیه نکردن بر نیازهای اجتماعی و تمایلات قلبی مردم	کنترل، خودگردانی کارآمد/ تقویت ظرفیت بهره‌مندی مردم با محدود کردن قدرت/ تأکید بر فهم خواسته‌های مردم و امکان تحقق آنها/ امنیت تصرف از طریق انتقال حق مالکیت و استفاده ه مردم

دست یافتند که بهره‌گیری از مشارکت عمومی، توجه به نوع فعالیت اقتصادی ساکنین بافت، ویژگی کیفی ابنیه موجود در بافت بر بازآفرینی پایدار بافت‌های ناکارآمدی شهر مؤثر است. در نهایت، بررسی‌ها نشان می‌دهد که نظام اسکان در محله شمس‌آباد شهر تبریز، به دور از پایش نظام‌مند و خارج از کنترل برنامه‌ای مدون در حال گسترش است. این روند، پیامدهای گسترده‌ای را در نظام اسکان غیررسمی محله شمس‌آباد شهر تبریز پدید آورده است، که از منظر کیفیت زیست قابل پیگیری است. زیرا فقر و محرومیت، بالا بودن میزان بیکاری، شکاف عمیق و فزاینده در توزیع درآمد موجب شکل‌گیری سکونتگاه غیررسمی در محله شمس‌آباد شهر تبریز با اقتصاد ناپایدار و شکل‌گیری مشاغل و فعالیت‌های کاذب در سطح شهر، تراکم بالای جمعیتی، کمبود خدمات زیربنایی و تجهیزات شهری و توزیع نامناسب کاربری‌ها در سطح شهر و عدم دسترسی‌های مناسب و درنهایت اکوسیستم ناپایدار شده است. بنابراین استفاده از رویکرد بازآفرینی شهری با تأکید بر بهسازی و توانمندسازی در محله شمس‌آباد تبریز قادر خواهد بود در کنار توسعه کالبدی محله، نشاط و سرزندگی را برای ساکنین آن فراهم نماید. لذا، در برخورد با این پدیده باید سیاست‌های کلان و خرد را هم‌زمان در نظر گرفت. حال با توجه به مطالب گفته شده، این پرسش پیش می‌آید که مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل در بازآفرینی شهری با تأکید بر بهسازی و توانمندسازی محله شمس‌آباد شهر تبریز به عنوان سکونتگاه غیررسمی کدام است؟

داده‌ها و روش کار

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش نیز توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از مطالعات کتابخانه‌ای (نظریه‌ها، پیشینه و تدوین شاخص‌ها) و میدانی (توزیع پرسشنامه) بهره‌گیری شده است. شاخص‌های تحقیق در قالب دو متغیر مستقل (بازآفرینی) و وابسته (اسکان غیررسمی) تدوین شده است. متغیر مستقل بازآفرینی در قالب مدل DPSIR براساس پیشران‌های پنج‌گانه (نیروهای پیشران، فشار، وضعیت، تأثیر و پاسخ) مؤثر بر اسکان غیررسمی تدوین شد. در شکل زیر، نحوه تبیین شاخص‌های تحقیق در قالب مدل مفهومی آورده شده است.

مطالعه تحقیقات پیشین نیز بر اهمیت ساماندهی بافت‌های ناکارآمد شهری به‌ویژه سکونتگاه‌های غیررسمی تأکید داشته‌اند و هرکدام بر ابعاد خاصی از کنش‌های شهری تأکید کرده‌اند. در این رابطه، دینگ و دینگ (۲۰۲۰) در تحلیل ناکارآمدی بافت شهری متأثر از فضاهای خالی مسکونی نشان داد، مسکن به عنوان یک عامل مستقیم و اثرگذار ناکارآمدی بافت شهری است. حسنی و عبدالله‌زاده (۲۰۲۰) در بررسی بازآفرینی بافت‌های ناکارآمدشهری معتقد بودند که سه اصل توانمندسازی، توسعه از درون و ساماندهی اراضی می‌توانند نقش مؤثری ایفا کنند. دونالد لاسرو (۲۰۱۹) با مطالعه سکونتگاه‌های غیررسمی و اهداف توسعه هزاره: بحث سیاست جهانی در مالکیت و امنیت مالکیت به این نتیجه رسید که شکنندگی ساختار شهری و توزیع ناعادلانه خدمات و منابع عامل بقاع سکونتگاه‌های غیررسمی است. خلیفه (۲۰۱۹) در تحقیقی به ارزیابی استراتژی‌های تکامل سکونتگاه‌های غیر رسمی مصر پرداخت و به این نتیجه رسید که حفظ مردم در محله و ارائه تسهیلات به آن‌ها عامل بازآفرینی سکونتگاه‌های غیررسمی است. دنیل و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی به ارزیابی توزیع فضایی مزایای برنامه‌های بازآفرینی شهری در مناطق شهری آسیب‌پذیر شهر کاتینا ایتالیا پرداخت. و به این نتیجه رسید که بازآفرینی می‌تواند خطر تغییرات هوایی و لرزه‌ای را هم‌زمان کاهش و فضاهای قابل زیست بیشتری تولید کند. فاروق حسن (۲۰۱۷) به بررسی بازآفرینی رهیافتی برای توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی پرداخت و به این نتیجه رسید که رشد عدالت اجتماعی بین محلات شهری قاهره مهم‌ترین رویکرد بازآفرینی این قبیل محلات است. خیامی و فخری (۲۰۱۹) در تحقیقی به بررسی نقش تاب‌آوری در بازسازی کالبدی-اجتماعی پرداخت. و به این نتیجه رسید که نگرش گردشگر محور با هدف بهینه‌سازی کارایی به عنوان راه‌حل مناسب توانمندسازی و بازآفرینی است. روشن‌علی و عندلیب (۱۳۹۹) به مطالعه بافت‌های ناکارآمد شهری محله شهید خوب بخت تهران پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که مسئله‌یابی در فرایند نوسازی، به عنوان مرحله شناخت نیازها و مشکلات ساکنین و توانمندی آن‌ها است. فنی و همکاران (۱۳۹۶) نیز به مطالعه مؤلفه‌های اثرگذار بر پایداری بافت‌های ناکارآمد شهر خرمشهر در برابر مخاطرات طبیعی پرداخته‌اند و به این نتیجه

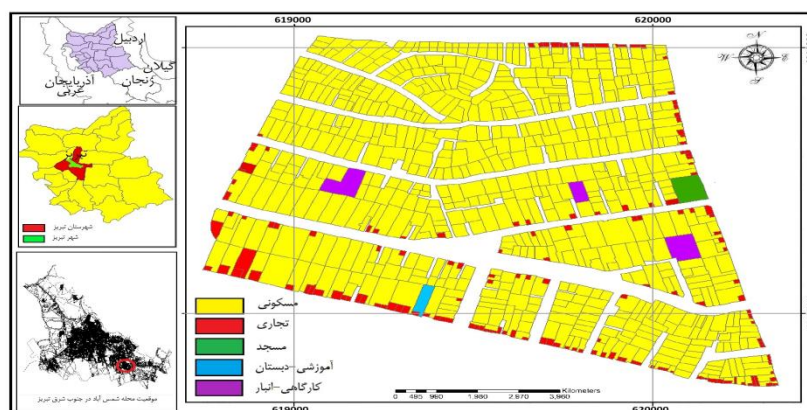


شکل ۲. مدل مفهومی تحقیق

تحلیل شد. روش تحلیل مسیر نوعی تحلیل رگرسیونی است که برای درک علیت و نمایش الگوی روابط علی در میان مجموعه‌ای از متغیرهای مرتبط باهم کاربرد دارند و با استفاده از آزمون رگرسیون خطی چند متغیره انجام و همچنین به فراخور نیاز تحقیق از نرم افزار Excel و SPSS استفاده شد. شهر تبریز مرکز استان آذربایجان شرقی با جمعیت ۱۶۴۳۹۶۰ نفر پرجمعیت‌ترین شهر شمال غرب ایران است (سازمان ملل^۱، ۲۰۲۲). محله شمس‌آباد یکی از مناطق حاشیه‌نشین این شهر، به عنوان نمونه‌ای از سکونتگاه غیررسمی و بافت ناکارآمد در جنوب شرق شهر تبریز و در حوزه استحفاظی شهرداری منطقه ۲ واقع است. مساحت این محله بالغ بر ۱۸/۵ هکتار بوده و در وضعیت فعلی بیش از ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت را در خود جای داده است. به رغم کوچک بودن مساحت این محله، مشکلات و معضلات عدیده و درهم‌تنیده این بافت ناکارآمد به‌گونه‌ای است که عدم مداخله در این بافت به نوعی نادیده انگاشتن حقوق اجتماعی ساکنین محله و بی‌انصافی محسوب می‌شود.

جامعه آماری شامل ساکنین محله شمس‌آباد شهر تبریز است. با توجه به تخصصی بودن موضوع، از جامعه آماری متخصصین با روش دلفی برای توزیع پرسشنامه بهره گرفته شد. نمونه‌گیری در این شیوه به صورت گلوله برفی است. در این تحقیق گروه متخصصین شامل استادان دانشگاه، دانشجویان دکتری برنامه‌ریزی شهری، شهرسازی و کارشناسان سازمان‌های متولی مدیریت شهری است. این تعداد براساس محدودیت روش گلوله برفی شامل ۳۰ نمونه آماری است.

برای تحلیل داده‌ها از آزمون تک نمونه‌ای T و آزمون تحلیل مسیر در قالب مدل DPSIR استفاده شده است. ابتدا داده‌های تحقیق با فرآیند دلفی گردآوری شد. سپس با استفاده از آزمون تک نمونه‌ای T وضعیت شاخص‌های تحقیق در رابطه با شرایط توانمندسازی و بهسازی محله شمس‌آباد شهر تبریز به عنوان سکونتگاه غیررسمی بررسی شد، و میزان تعمیم‌دهی شاخص‌های راهبردی مشخص گردید. در مرحله بعد با استفاده از روش تحلیل مسیر، میزان تأثیر هر کدام از مؤلفه‌ها بر توانمندسازی و بهسازی محله شمس‌آباد شهر تبریز بررسی و



شکل ۳. موقعیت محله شمس‌آباد شهر تبریز در تقسیمات فضایی کشور

شرح و تفسیر نتایج

باتوجه به پیشران‌های ارائه شده در زمینه بهسازی و توانمندسازی و رفع موانع بازآفرینی محله شمس‌آباد شهر تبریز، در این بخش تحقیق از آزمون تک نمونه‌ای T استفاده شده است. نکته مهم این آزمون، تعمیم‌پذیری و قابلیت تبیین و تحلیل آن به زمان آینده است.

در اولین مرحله، خروجی نهایی مدل DPSIR در قالب آزمون تک نمونه‌ای T برای مؤلفه نیروهای پیشران یا نیروی محرکه نشان داد که میزان تأثیرگذاری و ضریب این مؤلفه برابر ۳/۹۷۷ با میانگین ۳/۴۵ است. این مقدار نشانگر سطح متوسط تأثیرگذاری بر فرایند توانمندسازی و بهسازی محله شمس‌آباد شهر تبریز به عنوان سکونتگاه غیررسمی است. از طرفی سطح معنی‌داری برای تمامی شاخص‌ها کمتر از ۰/۰۵ درصد است. لذا

نتایج تحلیل قابل تعمیم به کل جامعه آماری محله است. در بین مؤلفه‌های پیشران، بیشترین امتیاز متعلق به «D1. تسهیلات بهسازی و نوسازی ابنیه مخروبه و متروک» با ضریب ۳/۵۲۵ و میانگین ۳/۸ است. لذا به‌منظور رشد و تعالی محله در ابعاد مختلف کالبدی-فضایی باید وضعیت ابنیه مخروبه و متروک جهت کاهش بزهکاری و ارتقاء امنیت محله، تعیین و تکلیف شود، این عامل می‌تواند از طریق حمایت از مالکین و ارائه تسهیلات نوسازی امکان‌پذیر باشد. از طرفی شاخص «D9. تبیین حقوق شهروندی ساکنین محله از طریق آموزش و اطلاع‌رسانی» با ضریب ۰/۶۹۴ و میانگین ۳/۱۶ کمترین امتیاز را به خود اختصاص داده، لذا از نظر جامعه آماری، آموزش و اطلاع‌رسانی به ساکنین محله جهت بهره‌مندی از تسهیلات دولت برای این محله و نحوه توانمندسازی ساکنین، در اولویت آخر قرار دارد.

جدول ۳. دسته‌بندی شاخص‌های نیروهای پیشران

کد	مؤلفه‌ها	میانگین	اماره T	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
D1	تسهیلات بهسازی و نوسازی ابنیه مخروبه و متروک	۳/۸	۳/۵۲۵	۲۹	۰/۰۰۱
D2	توانمندسازی از طریق آموزش برای مشارکت ساکنین محله در بازآفرینی	۳/۷۱	۳/۰۳۴	۲۹	۰/۰۰۵
D3	مدیریت و مهارت قیمت زمین و مسکن باتوجه ظرفیت‌های محله	۳/۶۳	۲/۹۹۳	۲۹	۰/۰۰۶
D4	سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در فعالیت‌های عمومی محله	۳/۵۲	۲/۵۰۴	۲۹	۰/۰۱۸
D5	ارائه تسهیلات از طریق سازمان‌های حمایتگر (بهریستی-کمیت‌ه امداد و...) برای اقشار آسیب‌پذیر	۳/۴۳	۲/۰۹۱	۲۹	۰/۰۴۵
D6	ایجاد شورایی و سرای محله با مدیریت ساکنین محله	۳/۳۷	۱/۵۴۶	۲۹	۰/۰۰۰
D7	تسهیلات بازآفرینی محله با حمایت مدیران شهری	۳/۲۶	۱/۳۱۳	۲۹	۰/۰۰۰
D8	گسترش فعالیت سمن‌ها (NGO) برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر	۳/۱۸	۰/۶۸۱	۲۹	۰/۰۰۰
D9	تبیین حقوق شهروندی ساکنین محله از طریق آموزش و اطلاع‌رسانی	۳/۱۶	۰/۶۹۴	۲۹	۰/۰۰۰
	کل	۳/۴۵	۳/۹۷۷	۲۹	۰/۰۰۰

در مؤلفه نیروهای فشار، ضریب آماره تک نمونه‌ای T برابر ۶/۲۵۴ با میانگین ۳/۵ است. این ضریب نشانگر تأثیر قابل توجه این مؤلفه‌ها بر فرآیند توانمندسازی و بهسازی محله شمس‌آباد شهر تبریز به عنوان سکونتگاه غیررسمی است. در این میان مؤلفه «P1. بازتوزیع بهینه و انتقال کاربری‌های ناسازگار کارکرد شهری در سطح محله» با ضریب ۶/۵۹۵ و میانگین ۴/۲ بیشترین تأثیر را داشته است. لذا در زمینه نیروهای فشار باید بر مسئله انتقال کاربری‌های مزاحم و آلاینده از سطح محلات، به‌ویژه فضاهای کارگاهی و انباری،

تمهیدات ویژه‌ای اندیشیده شود. در مقابل نیز شاخص «P10. توسعه تعادل ساختاری-کارکردی بین ظرفیت کالبدی و جمعیت محله» با ضریب ۰/۶۱۱ و میانگین ۳/۱۳ کمترین تأثیر را داشته است. این رویه نیز نشان می‌دهد که نبود زیرساخت‌ها و خدمات در سکونتگاه‌های غیررسمی بر اساس نیازهای ساکنین، یکی از علل ناکارآمدی این قبیل بافت‌ها است، این رویه فشار جدی بر مهاجرت سرمایه‌داران و مالکان طبقه متوسط و جایگزینی با اقشار کم درآمد وارد می‌کند.

جدول ۴. دسته بندی شاخص‌های نیروهای فشار

کد	مؤلفه‌ها	میانگین	آماره T	درجه آزادی	سطح معنی داری
P1	بازتوزیع بهینه و انتقال کاربری‌های ناسازگار کارکرد شهری در سطح محله	۴/۲	۶/۵۹۵	۲۹	۰/۰۰۰
P2	رفع موانع سند مالکیت اغلب واحدهای مسکونی محله	۳/۹۷	۴/۹۶۶	۲۹	۰/۰۰۰
P3	نوسازی زیرساخت‌های حمل و نقل درون محله ای	۳/۷۳	۳/۵۱۵	۲۹	۰/۰۰۱
P4	به حداقل رساندن آلودگی صوتی و هوا	۳/۵۷	۲/۷۳۴	۲۹	۰/۰۱۱
P5	ارتقاء کیفیت زندگی و امید به زندگی از طریق توانمندسازی محله	۳/۳۷	۱/۶۵	۲۹	۰/۰۰۰
P6	توسعه خدمات و تاسیسات و تجهیزات شهری در سطح محله و کاهش وابستگی به محلات پیرامون	۳/۳۳	۱/۵۴۲	۲۹	۰/۰۰۰
P7	ایجاد تعادل بین ظرفیت‌های اجتماعی-اقتصادی با سرانه کاربری‌ها	۳/۳	۱/۳۲۹	۲۹	۰/۰۰۰
P8	ساماندهی میزان نفوذپذیری در تمامی سطوح محله	۳/۲۳	۱	۲۹	۰/۰۰۰
P9	تقویت استحکام ابنیه‌ها	۳/۱۷	۰/۸۶۷	۲۹	۰/۰۰۰
P10	توسعه تعادل ساختاری-کارکردی بین ظرفیت کالبدی و جمعیت محله	۳/۱۳	۰/۶۱۱	۲۹	۰/۰۰۰
	کل	۳/۵	۶/۲۵۴	۲۹	۰/۰۰۰

سومین مؤلفه مدل DPSIR در تبیین فرآیند توانمندسازی و بهسازی محله شمس‌آباد شهر تبریز به عنوان سکونتگاه غیررسمی، شاخص‌های «وضعیت» است. این مؤلفه با ضریب ۳/۸۲۲ و میانگین ۳/۳۹ نقش قابل توجهی در بازآفرینی محله دارد. و ضریب امتیاز بالای جامعه آماری به شاخص‌های وضعیت نشان می‌دهد که وضع موجود بافت در حال حاضر حفظ شده است و این رویه نیز تأثیر قابل توجهی بر ناکارآمدی این قبیل محلات دارد. در مؤلفه «وضعیت»، بیشترین امتیاز متعلق به شاخص «S1. رفع مشکل خودانگیختگی و غیرقانونی بودن بافت به‌واسطه معاملات قولنامه‌ای» با ضریب ۴/۴۱۹ و میانگین ۳/۸۷ است. لذا هنوز

هم خرید و فروش رسمی املاک و بورس زمین و قانون حق مالکیت محله شمس‌آباد شهر تبریز، به شرایط مطلوب نرسیده است و در جریان بازآفرینی و جذب سرمایه‌گذاران و مشارکت نیروهای خارج از محله جهت نوسازی ابنیه، با مشکل مواجه است. در مقابل نیز شاخص «S7. ایجاد تشکل‌های مردمی محله با محوریت معتمدان و نیروهای داوطلب مردم نهاد جهت همفکری و حل مشکلات» با ضریب ۰/۱۴۷- و میانگین ۲/۹۷ کمترین امتیاز را به خود اختصاص داده است. لذا یکی از ضروریات نه چندان مهم محله شمس‌آباد، ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی در زمینه تغییر وضعیت موجود، ایجاد تشکل‌های مردمی و تقویت سرمایه اجتماعی است.

جدول ۵. دسته‌بندی شاخص‌های وضعیت

کد	مؤلفه‌ها	میانگین	آماره T	درجه آزادی	سطح معنی داری
S1	رفع مشکل خودانگیختگی و غیرقانونی بودن بافت بواسطه معاملات قولنامه ای	۳/۸۷	۴/۴۱۹	۲۹	۰/۰۰۰
S2	رفع ناامنی و رشد انواع بزهکاری بویژه در اماکن عمومی و رها شده	۳/۶۳	۲/۹۹۳	۲۹	۰/۰۰۶
S3	افزایش ضریب دسترسی پذیري محله و نیاز به اصلاح سسله مراتب معابر	۳/۵۳	۳/۲۴۷	۲۹	۰/۰۰۳
S4	بهره گیری از ظرفیت‌های اراضی خالی پیرامون محله شمس‌آباد	۳/۳۷	۲/۰۸۳	۲۹	۰/۰۴۶
S5	ارتقاء بهداشت و سلامت عمومی محله	۳/۳	۱/۵۱۱	۲۹	۰/۰۰۰
S6	ساماندهی سیمای زشت منظرشهری در معابر فرعی و آلودگی بصری	۳/۰۷	۰/۲۶۸	۲۹	۰/۰۰۰
S7	ایجاد تشکل های مردمی محله با محوریت معتمدان و نیروهای داوطلب مردم نهاد جهت همفکری و حل مشکلات	۲/۹۷	-۰/۱۴۷	۲۹	۰/۰۰۰
	کل	۳/۳۹	۳/۸۲۲	۲۹	۰/۰۰۱

دفاتر تسهیل‌گری در توانمندسازی، تسریع روند اداری و فعالیت‌های مشارکت محور است. از طرفی، شاخص «۱۷. حفظ مشاغل و افزایش چشم‌انداز اشتغال و بنگاه‌های کسب و کار در محله» با ضریب ۰/۱۶۶ و میانگین ۳/۰۳ کمترین امتیاز را دریافت کرده است. در نتیجه، حفظ وضعیت اقتصادی و کسب و کار موجود، نمی‌تواند تأثیر ملموسی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی محله شمس‌آباد شهر تبریز بافت داشته باشد، و باید مؤلفه‌های زیربنایی مورد توجه قرار گیرد.

چهارمین مؤلفه مدل DPSIR در تبیین فرآیند توانمندسازی و بهسازی محله شمس‌آباد شهر تبریز به عنوان سکونتگاه غیررسمی، نیروهای تأثیر است. این مؤلفه با ضریب ۲/۴۴۳ و میانگین ۳/۲۹ تأثیر متوسطی در ساماندهی بافت ناکارآمد دارد. لذا تاحدودی می‌تواند ظرفیت‌های موجود بافت را برای خروج از وضع موجود تقویت کند. در مؤلفه تأثیر، بیشترین امتیاز متعلق به شاخص «۱۳. ایجاد دفاتر تسهیل‌گری توسعه محور» با ضریب ۶/۳۳۶ و میانگین ۳/۷ است. لذا می‌توان گفت که عامل کلیدی در نیروهای تأثیر، ایجاد و توسعه نقش

جدول ۶. دسته‌بندی شاخص‌های نیروهای تأثیر

کد	مؤلفه‌ها	میانگین	آماره T	درجه آزادی	سطح معنی داری
I1	ایجاد دفاتر تسهیل‌گری توسعه محور	۳/۷	۳/۳۳۶	۲۹	۰/۰۰۲
I2	مناسب سازی فضاهای عمومی و معابر برای تمامی اقشار مردم(سالمندان، معلولین و...)	۳/۴۷	۲/۱۹۱	۲۹	۰/۰۳۷
I3	احیاء زیرساخت اقتصادی-اجتماعی خانوارهای آسیب پذیر با توسعه برنامه های حمایتی کارآفرین محور	۳/۳۳	۱/۷۷۵	۲۹	۰/۰۰۰
I4	تعریف تسهیلات ویژه برای ساکنان در قالب سیاست های تشویقی بازآفرینی و توانمندسازی	۳/۲۷	۱/۳۹۳	۲۹	۰/۰۰۰
I5	درنظر گرفتن تسهیلات ویژه برای جوانان جهت متعادل کردن ترکیب جمعیتی محله	۳/۲	۰/۹۷۲	۲۹	۰/۰۰۰
I6	مشارکت کنشگران بازآفرینی و ساماندهی محله	۳/۰۷	۰/۳۲۸	۲۹	۰/۰۰۰
I7	حفظ مشاغل و افزایش چشم انداز اشتغال و بنگاه های کسب و کار در محله	۳/۰۳	۰/۱۶۶	۲۹	۰/۰۰۰
	کل	۳/۲۹	۲/۴۴۳	۲۹	۰/۰۲۱

پنجمین مؤلفه مدل DPSIR در تبیین فرآیند توانمندسازی و بهسازی محله شمس‌آباد شهر تبریز به عنوان سکونتگاه غیررسمی، نیروهای پاسخ است. این نیروها بازگو کننده نتایج ساماندهی براساس روند موجود است و این امکان را می‌دهد که براساس روند موجود و اجرای برنامه‌های زیست-پذیری و ساماندهی چه رویکردهایی باید اتخاذ شود. این مؤلفه با ضریب $4/761$ و میانگین $3/4$ تاثیر قابل توجهی در ساماندهی بافت ناکارآمد دارد. از طرفی، ضریب امتیاز بالای جامعه آماری به شاخص‌های «پاسخ» نشان می‌دهد که این

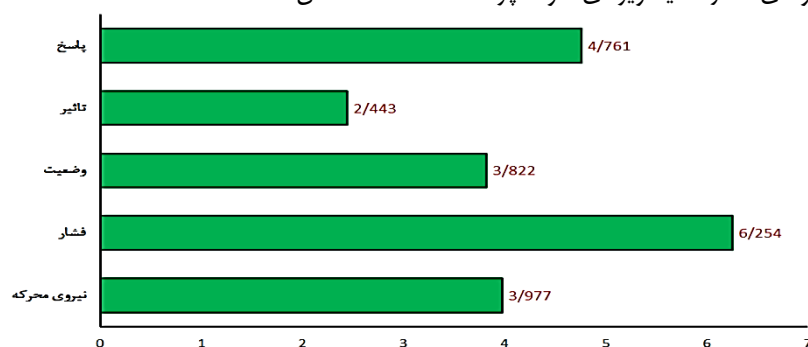
مؤلفه‌ها می‌تواند ظرفیت‌های موجود بافت را برای خروج از وضع موجود تقویت کند. در مؤلفه «پاسخ»، بیشترین امتیاز متعلق به شاخص «R1. تجمیع قطعات و حل معضل ریزدانه‌گی بافت» با ضریب $4/382$ و میانگین $3/90$ بیشترین امتیاز را کسب کرده است. در مقابل شاخص «R9. آموزش و توانمندسازی ساکنین جهت تقویت سرمایه اجتماعی محله» با ضریب $-0/548$ و میانگین $2/87$ کمترین امتیاز را کسب کرده است.

جدول ۷. دسته‌بندی شاخص‌های نیروهای پاسخ

کد	مؤلفه‌ها	میانگین	آماره T	درجه آزادی	سطح معنی داری
R1	تجمیع قطعات و حل معضل ریزدانه‌گی بافت	3/9	4/382	29	0/000
R2	ساماندهی میلمان شهری جهت مناسب سازی فضاهای عمومی محله	3/83	3/618	29	0/001
R3	ساماندهی بصری و نورپردازی فضاهای عمومی بویژه در هنگام شب	3/7	3/102	29	0/004
R4	بهسازی و ترمیم شبکه فاضلاب و کانال های جمع آوری آبهای سطحی	3/57	2/379	29	0/024
R5	متنوع سازی و زیباسازی چشم انداز عمومی محله جهت تقویت حس تعلق مکانی	3/43	1/819	29	0/000
R6	بهسازی بلوک ها و اسکلت بافت شهری جهت سهولت تردد و دسترس پذیری	3/33	1/505	29	0/000
R7	توسعه فضاهای عمومی جهت افزایش حضورپذیری مردم در محله	3/2	0/797	29	0/000
R8	تقویت امنیت محله	3/17	0/634	29	0/000
R9	ارائه تسهیلات مقاوم سازی و نوسازی ابنیه	3	0/249	29	0/000
R10	آموزش و توانمندسازی ساکنین جهت تقویت سرمایه اجتماعی محله	2/87	-0/548	29	0/000
	کل	3/4	4/761	29	0/000

در نهایت بررسی کلی شاخص های مدل DPSIR و مقایسه مؤلفه‌ها براساس شکل ۴ نشان می‌دهد که مؤلفه «فشار» با ضریب $6/254$ بیشترین امتیاز را دریافت کرده است. لذا از نظر گروه متخصصین جامعه آماری، برای توانمندسازی و بهسازی محله شمس‌آباد شهر تبریز به عنوان سکونتگاه غیررسمی، باید بر نیروهای فشار تأکید ویژه‌ای شود. چرا که،

این عوامل می‌تواند راهبردها و راهکارهای کاربردی، برای ساماندهی و خروج از روند فعلی و حل مشکلات موجود ارائه دهد. در مقابل نیز مؤلفه نیروی تأثیر با ضریب $2/443$ کمترین امتیاز را دریافت کرده است. لذا این مؤلفه‌ها جنبه رونمایی داشته، و در برنامه ریزی باید اولویت‌های فرعی را به خود اختصاص دهند.



شکل ۴. رتبه‌بندی مؤلفه‌های مدل DPSIR

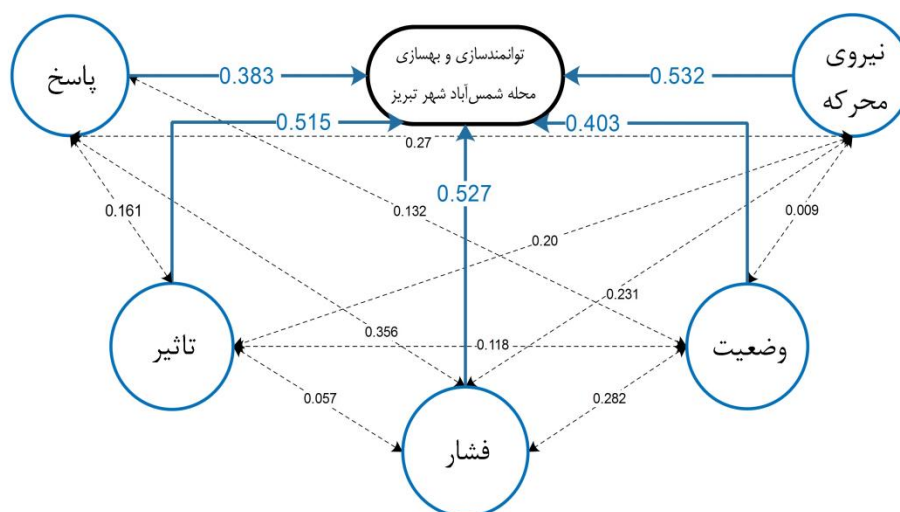
غیرمستقیم شاخص‌های دیگر، میزان تأثیر نیروی محرکه در قالب ضریب اثر کل (۰/۵۳۷) به رتبه پنجم نزول می‌کند. در نتیجه با اثرگذاری شاخص‌ها بر روابط آن‌ها در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، می‌توان به یک مدل علی مطلوب دست یافت، که در آن نیروی اصلی ساماندهی در قالب روابط علی همه جانبه، شکل پیدا می‌کند. در این زمینه، شاخص «فشار» با ضریب اثر کل ۰/۶۲۳ بیشترین تأثیر و رابطه علی را با ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی دارد. در نتیجه لازم است، ابتدا نیروهای «فشار» شناسایی و شدت و چگونگی تأثیرگذاری آن بر ساماندهی و بازآفرینی سنجیده شود (که در بخش قبلی با آزمون تک نمونه‌ای T انجام شد). این روند کمک خواهد کرد در برنامه‌ریزی آتی توانمندسازی و بهسازی محله شمس‌آباد شهر تبریز به عنوان سکونتگاه غیررسمی، دقت عمل بیشتری انجام گیرد. در رتبه‌های بعدی نیز مؤلفه‌های «تأثیر» با ضریب اثر کل ۰/۵۹۱؛ «پاسخ» با ضریب اثر کل ۰/۵۵۶؛ «وضعیت» با ضریب اثر کل ۰/۵۴۷؛ و «نیروی محرکه» با ضریب اثر کل ۰/۵۳۷ قرار دارند.

در این بخش برای تحلیل چگونگی تأثیر مؤلفه‌های پنجگانه مدل **DPSIR** بر فرآیند توانمندسازی و بهسازی محله شمس‌آباد شهر تبریز، براساس پرسشنامه تحلیل دلفی از آزمون تحلیل مسیر استفاده شده است. در این آزمون، نتایج تحلیل بصورت اثر مستقیم، اثر غیر مستقیم، اثر کل در قالب مدل **DPSIR** ارائه می‌شود. اثر کل به عنوان مهم‌ترین پارامتر آزمون، حاصل جمع اثر مستقیم و غیر مستقیم است. مقدار اثر کل باید بالاتر از ۰/۳ باشد تا یک رابطه معنادار بین متغیر وابسته و مستقل به وجود آید و اگر اثر کل بین ۰/۳ تا ۰/۶ باشد، همبستگی معنادار و مطلوب است و اگر بیش از ۰/۶ باشد، همبستگی بسیار مطلوب است. همچنین، اگر مقدار اثر غیر مستقیم بیشتر از اثر مستقیم باشد، نشان‌دهنده کاذب بود نتیجه محاسبات آماری است.

بررسی اثر مستقیم مؤلفه‌ها با استفاده از آماره بتا در آزمون رگرسیون خطی چندگانه، نتایج بررسی نشان داد، شاخص نیروی محرکه (پیشران) با ضریب ۰/۵۳۲ بیشترین تأثیر را بر توانمندسازی و بهسازی محله شمس‌آباد شهر تبریز به عنوان سکونتگاه غیررسمی دارد. این در حالی است که با تأثیر

جدول ۹. تحلیل مسیر مؤلفه‌های DPSIR

مؤلفه ها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
نیروی محرکه (D)	۰/۵۳۲	۰/۰۰۵	۰/۵۳۷
فشار (P)	۰/۵۲۷	۰/۰۹۶	۰/۶۲۳
وضعیت (S)	۰/۴۰۳	۰/۱۴۴	۰/۵۴۷
تأثیر (I)	۰/۵۱۵	۰/۰۷۶	۰/۵۹۱
پاسخ (R)	۰/۳۸۳	۰/۱۷۳	۰/۵۵۶



شکل ۵. همبستگی و جهت مسیر روابط رگرسیونی بین مؤلفه‌ها

بحث و نتیجه‌گیری

زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهری، یکی از جلوه‌های بارز فقر شهری است که در شکل برنامه‌ریزی نشده و ناموزون درون یا اطراف شهرها ظاهر شده و از نظر حق مالکیت، شرایط زندگی، تراکم، ترکیب خانواده، سطح امنیت و پیشرفت و میزان تغییر از شرایط متنوعی برخوردار است. این وضعیت در محله شمس آباد تبریز، پیامدهای گسترده‌ای در قالب فقر، رشد مشاغل کاذب، زشتی منظر شهری، مهاجرت بی‌رویه روستاییان و شهرهای اقماری به محله شمس آباد، بیکاری، شکاف عمیق و فزاینده در توزیع درآمد، و در نهایت، رشد فزاینده فضای فیزیکی شهر، اقتصاد ناپایدار در سطح شهر داشته است. یافته‌های تحلیلی نیز نشان داد که تداوم زندگی در قالب سکونتگاه غیررسمی در این محله با زیرساخت‌های ضعیف و معضلات اجتماعی-اقتصادی و کالبدی و مدیریتی، نارسایی‌های متنوعی در محله ایجاد کرده است و بازآفرینی محله در قالب رویکرد توانمندسازی و بهسازی، نیازمند برنامه‌ریزی و سیاستگذاری مبتنی بر توسعه تسهیلات نوسازی ابنیه فرسوده، انتقال کاربری‌های ناسازگار شهری، حذف معاملات غیرقانونی مسکن، رفع موانع حقوقی مسکن، تجمیع قطعات و حل معضل ریزدانی بافت و ساماندهی مبلمان شهری جهت مناسب سازی فضاهای عمومی محله است. همچنین، تأکید ویژه بازآفرینی باید بر نیروهای اثر گذار مبتنی بر مؤلفه «فشار» باشد. چرا که، تقابل حقوق مالکانه و منافع عمومی بین مدیران و حکمرانان شهری (متشکل از نهادها و ارگان‌های اجرایی طرح‌های نوسازانه شهری) و مردم (مالکان و ساکنان محله شمس آباد) در بستر فضاهای شهری، در ذهنیت و حتی عینیت ساکنان نفوذ پیدا کرده که مردم تحقق حقوق عمومی را تضاد با حفظ حقوق مالکان خود می‌دانند. در این رابطه، یافته‌ها تحقیقات پیشین که همسو با تحقیق حاضر هستند، از جمله دینگ و دینگ (۲۰۲۰) بر عامل مسکن؛ دونالد لاسرو (۲۰۱۹) بر توزیع ناعادلانه خدمات و منابع؛ و فاروق حسن (۲۰۱۷) بر نبود عدالت اجتماعی در شکل‌گیری و تداوم سکونتگاه‌های غیررسمی تأکید دارند. از طرفی، به‌منظور بازآفرینی سکونتگاه‌های غیررسمی، حسنی و عبدالله‌زاده فرد (۲۰۲۰) بر توانمندسازی، توسعه از درون و ساماندهی اراضی؛ خلیفه (۲۰۱۹) بر حفظ مردم در محله و ارائه تسهیلات به آن‌ها؛ فنی و همکاران (۱۳۹۶) بر بهره‌گیری از مشارکت عمومی

تأکید نمودند. باتوجه به اینکه تحقیقات غیرهمسو با نتایج تحقیق حاضر یافت نشد. تحقیق حاضر ضمن تأکید بر یافته‌های تحقیق قبلی، با طبقه‌بندی عوامل و نیروهای تأثیرگذار بر بازآفرینی سکونتگاه‌های غیررسمی، شدت و نحوه اثرگذاری هر یک از مؤلفه‌ها در قالب مدل DPSIR، بررسی و تبیین شده است. در نهایت، تبیین نیروهای مؤثر بر توانمندسازی و بهسازی محله شمس آباد شهر تبریز به عنوان سکونتگاه غیررسمی بر تقویت سیستم حمل و نقل، جانمایی مناسب کاربری‌های ناسازگار، استحکام ابنیه-های فرسوده، حل مشکل سند مالکیت، ارتقاء کیفیت زندگی و بهسازی خدمات و تأسیسات و تجهیزات شهری تأکید دارد.

منابع

- احمدیان، محمدعلی (۱۳۹۲). حاشیه نشینی، ریشه ها و راه حل ها. *دوماهنامه اندیشه*. ۹ (۴)، ۶۱-۳۹.
- آشوری، کسری، ایراندوست، کیومرث و خالقی‌پناه، کمال (۱۳۹۷). تحلیل فرایند تولید فضای غیررسمی در شهر سنج. *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۵ (۱)، ۲۴۲-۲۱۱.
- آقای، پرویز، توکلی‌نیا، جمیله، کلانتری، محسن و فنی، زهره (۱۳۹۹). تولید و بازتولید فضا در چرخه دوم انباشت سرمایه؛ نقدی بر زندگی روزمره در فضای زیسته. *مجله باغ نظر*، ۱۶ (۸)، ۲۹-۴۰.
- بهزادفر، مصطفی، عبدالحمید، نقره‌کار و صالحی، کمیل (۱۳۹۷). ارزیابی شاخص‌های توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی با رویکرد دارایی مینا در کلانشهر تهران؛ نمونه موردی: محله میان‌آباد اسلامشهر. *فصلنامه علمی پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران*، ۱۶ (۵۷)، ۹۴-۱۱۲.
- ترکمه، آیدین (۱۳۹۷). بازاندیشی غیررسمیت و فقر/ناوبرایی شهری: دیدگاهی روش شناختی. *مجله فضا و دیالکتیک*، ۳ (۳)، ۱-۹.
- حبیبی، سیدمحسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۹۸). مرمت شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسینیون، سولماز (۱۳۹۴). زیست غیررسمی و حق به شهر. *نشریه هفت شهر*، ۴۹ (۵۰)، ۲۵۲-۲۴۸.
- دوستوندی، میلاد (۱۳۹۵). حق به شهر و پرولماتیک شکل‌گیری سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری، پایان‌نامه

- توانبخشی.
- عباسی لیوسی، زهرا، امانپور، سعید و صفایی‌پور، مسعود (۱۳۹۷). برنامه‌ریزی راهبردی به منظور توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی (شهرک پیام نور دزفول). فصلنامه شهر پایدار، (۴)۱، ۸۹-۱۰۷.
- لطفی، سهند (۱۳۹۰). تبارشناسی بازآفرینی شهری از بازسازی تا نوزایی. تهران: انتشارات آذرخش.
- محمدی، جمال و اداک، صائب (۱۳۹۸). حاشیه‌نشینان شهری و تجربه رنج اجتماعی (محلۀ نایسر شهر سنندج). فصلنامه علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)، (۵)۶۲، ۸۵۷-۸۶۲.
- محمدی، علیرضا (۱۳۹۸). ظرفیت‌سازی اجتماع محور: پشتوانۀ ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی. مجله هفت شهر، (۳۰)۳۹، ۹۷-۱۱۳.
- ملائی‌یگانه، حبیب (۱۳۹۹). ارائه الگوی بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری مورد مطالعه: محدوده بیسیم زنجان، رساله دکتری جغرافیا، راهنما: دکتر محسن احدنژاد، روشنی، دانشگاه زنجان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، زنجان.
- میرآخوری، علی (۱۳۹۵). تاب‌آوری کالبدی-محیطی جوامع شهری با تأکید بر بافت‌های فرسوده (موردی: منطقه ۱۰ شهرداری تهران)، رساله دکتری دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا، تهران.
- نصراصفهانی، رضا، صفاری، بابک و غفاریان، سارا (۱۳۹۵). بررسی علل اقتصادی حاشیه‌نشینی با استفاده از اثر درمان (مطالعه موردی شهر اصفهان). مجله اقتصاد شهری، (۱)۱، ۱-۱۶.
- کارشناسی ارشد؛ دانشکده هنر و معماری دانشگاه کردستان.
- رفیعیان، مجتبی و کیانفر، آیدا (۱۳۹۸). فهم فضاهای خاکستری شهری: جایگاه قدرت در مناسبات تولید سکونتگاه‌های غیررسمی شهری (موردی: شهرک رضویه تهران). نشریه هنرهای زیبا، (۱)۲۴، ۵-۱۶.
- رفیعیان، مجتبی، یزدانیان، احمد و داداش‌پور، هاشم (۱۳۹۶). صورت‌بندی انتقادی مسأله فضا، با تأکید بر فضای عمومی شهری؛ فضا چگونه از خلال روابط نیروها تولید و بازتولید می‌شود؟. مجله پژوهش‌های جغرافیایی سیاسی، (۲)۲، ۷۹-۱۰۸.
- زالی، نادر، زارعی، مجید، ابی‌زاده، سامان و هاشم‌زاده قلعه‌جوق، فرشید (۱۳۹۵). برنامه‌ریزی راهبردی جهت ساماندهی بافت فرسوده شهری (شهر اردبیل). مجله اقتصاد و مدیریت شهری، (۱۴)۴، ۳۹-۶۲.
- زرین کاویانی، عظیم (۱۳۹۷). تحلیل ساختاری موانع توانمندسازی اجتماع محور در مناطق اسکان غیر رسمی (شهر ایلام)، رساله دکتری، راهنما محسن کلانتری، دانشگاه زنجان، دانشکده جغرافیا، زنجان.
- سلیمانی، محمد، مشکینی، ابوالفضل، شیخی، محمد و امیرحاجلو، الهام (۱۳۹۸). تحلیل آثار سیاست‌های جهانی بر غیررسمی شدن فضای شهری. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی/انسانی، (۳)۱۵، ۵۵۰-۵۳۱.
- صرافی، مظفر (۱۳۹۹). بازنگری ویژگی‌های اسکان خود انگیخته در ایران، مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی. تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و

Ahmed, Z., & Wasif Zafar, M., & Danish, S.A. (2020). Linking urbanization, human capital, and the ecological footprint in G7 countries: An empirical analysis, *Journal Pre-proof*, 6(2), 53-1

Arimah, B., (2018). the face of urban poverty, Explaining the Prevalence of Slums in Developing Countries, united nation university

Askarizad, R., & Safari, H., & Pourimanparast, M., (2017). The Influence of Organizing Historical Textures on Citizenry Satisfaction in the Old Texture Neighbourhoods of

Rasht. *Italian Journal of Science & Engineering*. 7(1), 16-27.

Kamalipour, H., & Dovey, K., (2019). Mapping the visibility of informal settlements. *Habitat International*, 1(4). 1-13.

Rau, S., (2019). History, Space, and Place; London: Routledge.

Tallon, A., (2010). Urban Regeneration in the UK, edition1, London, published by Routledge.

UN Habitat (2015). Habitat III Issue Papers (Informal Settlements). New York.

United Nations (UN). (2022). Annual Population of Urban Agglomerations With 300000 Inhabitants or More in 2018 by country, 1950-2035, Department of Economic and Social Affairs, New York.

Zerbo, A., & Delgado, Rafael C; A. & González, P., (2020). Vulnerability and everyday health risks of urban informal settlements in Sub-Saharan Africa, *Global Health Journal* In press, corrected proof Available online 16 June 2020.